

Received: 2025/9/4
Accepted: 2026/5/31
from 1 to 23

Zahra Rahmati
PhD Student in Quranic and
Hadith Sciences, Theology,
University of Ilam, Ilam, Iran.
zahraahmati367@gmail.com

Sohrab Morovati
Professor, Department of Quranic
and Hadith Sciences, Theology,
University of Ilam, Ilam, Iran.
(Corresponding Author)
s.morovati@ilam.ac.ir

**Mojtaba Mohammadi
Anvigh**
Assistant Professor, Department
of Quranic and Hadith Sciences,
Theology, University of Ilam,
Ilam, Iran.
mo.mohammadi@ilam.ac.ir

Keywords:
Moral education, visual-spatial
intelligence, Howard Gardner,
visual intelligence, Qur’anic
imagery.

**The Function of Visual-Spatial Intelligence in Moral
Education from the Perspective of the Holy Qur’an: An
Approach Based on Gardner’s Theory**

Abstract Moral cultivation is one of the foundational goals of religious educational systems. Drawing on recent psychological theories — particularly in the domain of multiple intelligences — can enhance the effectiveness of methods of moral education. Among these, visual-spatial intelligence, as a capacity for understanding and analyzing visual information, holds considerable potential for facilitating the teaching of moral concepts. Notably, the Holy Qur’an, in its modes of expression, pays particular attention to the spatial-intelligence capacities of its audience. This study aims to explain the effectiveness of Qur’an-based moral education grounded in visual-spatial intelligence and to offer a comparative analysis of it against Howard Gardner’s theory of multiple intelligences, specifically the indices of spatial intelligence; the result of this comparison is the design of a five-dimensional model comprising innate disposition (fitrah), sensation, imagination, realism, and dynamism. Using a descriptive-analytical method, the study focuses on twenty moral images across thirteen surahs of the Holy Qur’an through a systematic examination of imagery related to moral virtues and vices. The study concludes, through its discovery of a transpersonal pattern of imagery, that the Holy Qur’an — by intelligently employing spatial intelligence fourteen centuries before Gardner — both confirms the basic principles of his theory and extends it by adding innate, eschatological, and educational dimensions and by employing sensory tools that exceed the limitations of modern psychological theories, thereby offering a transspatial, expanded framework for harnessing spatial intelligence in human education.

تحلیل کارکرد هوش دیداری-فضایی در تربیت اخلاقی از منظر قرآن کریم با رویکردی بر نظریه گاردنر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۰
از صفحه ۱ تا صفحه ۲۳

زهرا رحمتی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث،
الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
zahrarahmati367@gmail.com

سهراب مروتی

استاد، گروه علوم قرآن و حدیث،
الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
(نویسنده مسئول)
s.morovati@ilam.ac.ir

مجتبی محمدی انویج

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث،
الهیات، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
mo.mohammadi@ilam.ac.ir

چکیده

پرورش اخلاقی از اهداف بنیادین نظام‌های تعلیم و تربیت دینی محسوب می‌شود. بهره‌گیری از نظریه‌های نوین روانشناسی به ویژه در حوزه هوش‌های چندگانه، می‌تواند به ارتقای اثربخشی روش‌های تربیت اخلاقی بینجامد. در این میان، هوش دیداری-فضایی به‌عنوان قابلیت برای درک و تحلیل اطلاعات تصویری، پتانسیل قابل‌توجهی در تسهیل آموزش مفاهیم اخلاقی دارد. جالب‌توجه این‌که، قرآن کریم در شیوه‌های بیانی خود، به ظرفیت‌های هوش فضایی مخاطبان توجه ویژه‌ای نشان داده است. این پژوهش با هدف، تبیین اثربخشی تربیت اخلاقی قرآن‌محور مبتنی بر هوش دیداری-فضایی و تحلیل تطبیقی آن با نظریه هوش‌های چندگانه شاخص‌های هوش فضایی هوارد گاردنر نگارش یافته است، که نتیجه این تطبیق طراحی الگوی پنج‌بُعدی فطرت، حس، خیال، واقع‌گرایی و پویایی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر بیست تصویر اخلاقی در سیزده سوره قرآن کریم از طریق بررسی نظام‌مند تصاویر مربوط به فضایل و رذایل اخلاقی صورت گرفته است. در نتیجه، پژوهش حاضر با کشف الگوی تصویرپردازی فرافردی اثبات می‌کند که قرآن کریم با به‌کارگیری هوشمندانه‌ی هوش فضایی چهارده قرن پیش از گاردنر، ضمن تأیید اصول پایه‌ای این نظریه، با افزودن ابعاد فطری، اخروی و تربیتی، و به‌کارگیری ابزارهای حسی فراتر از محدودیت‌های نظریه‌های روان‌شناسی مدرن، چارچوبی فرامکانی و توسعه‌یافته برای بهره‌گیری از هوش فضایی در حیطه‌ی تربیت انسان ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی:

تربیت اخلاقی، هوش دیداری-فضایی، هوارد گاردنر، هوش تصویری، تصویرسازی قرآنی.

تربیت اخلاقی به عنوان یکی از ارکان بنیادین تعلیم و تربیت دینی، همواره جایگاهی محوری در منظومه های تربیتی داشته است. قرآن کریم به عنوان متنی راهبردی در هدایت بشر، سرشار از آموزه های اخلاقی است که می تواند به عنوان منبعی غنی برای این حوزه مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور، خداوند متعال در قرآن کریم، به زیبایی خلق و خوی پیامبر را ستوده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴). در حدیثی از امام علی (ع) نیز آمده است: «پاک نژادترین مردم خوش اخلاق ترین آنان است» (آمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰، ج ۳۰۲۹).

در عصر حاضر، پیشرفت های شایان توجه در علوم شناختی و روان شناسی، موجب اهمیت یافتن مطالعه ی سبک های یادگیری و از جمله نقش انواع هوش های چندگانه در فرایندهای تربیتی شده است. بیش از دو هزار سال پیش، افلاطون در کتاب جمهوریت، هوش را تعیین کننده ی اصلی جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد تعریف کرد؛ اما مطالعه ی نظام مند آن به عنوان سازه ی علمی، عمدتاً از قرن نوزدهم و با ظهور مفاهیم تفاوت های فردی در ژنتیک و تکامل آغاز گردید. امروزه روان شناسان بر این باورند که پژوهش در حوزه ی هوش و ارزیابی آن تأثیری بسزایی در تبیین بهزیستی انسان داشته است (پورشرفی، ۱۳۸۲، ص ۱۴). هریک از انواع هوش توانایی حل مشکلات یا ایجاد محصولاتی را دارد که در یک فرهنگ خاص ارزشمند هستند. در این میان، هوش دیداری-فضایی قابلیت درک اشکال و تصاویر سه بعدی را دارد. هوارد گاردنر این اصطلاح را به عنوان یک ظرفیت محاسباتی انسانی کرده است که توانایی یا مهارت ذهنی برای حل مشکلات مکانی مربوط به جهت یابی، تجسم اشیا از زوایا و مکان های مختلف، تشخیص چهره ها یا صحنه ها یا توجه به جزئیات دقیق را تعریف می کند (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

نکته ی حائز اهمیت آن است که بهره گیری از چنین ظرفیت های شناختی، تنها محدود به عرصه های آموزشی متعارف نیست، بلکه این توانمندی های ذهنی می توانند در خدمت والاترین اهداف انسانی، از جمله تربیت و تهذیب نفس قرار گیرند. در حقیقت، نظام های تربیتی می توانند با شناخت این ظرفیت ها و به کارگیری هوشمندانگی آن ها، در انتقال و نهادینه سازی ارزش های اخلاقی موفق تر عمل کنند.

بر اساس همین و با درک این ظرفیت، از دیدگاه دینی، اسلام اهتمام ویژه ای به تربیت اخلاقی مبذول داشته است تا جایی که یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبر اکرم (ص) تهذیب نفوس و آراستن انسان به فضایل اخلاقی معرفی شده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲)؛ همچنین در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲). دستیابی به این هدف مستلزم رهایی از رذایل و تخلیق به اخلاق کریمه است. انسان در پرتو تربیت اخلاقی، از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل آراسته می گردد (بهشتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۴). در این مسیر، فضا سازی و به کارگیری روش های مبتنی بر ادراک فضایی می تواند با افزایش انگیزه ی فراگیران و

تسهیل نهاده‌سازی ارزش‌های اخلاقی، به ارتقای اثربخشی تربیت اخلاقی بینجامد. با تأمل در شیوه‌های بیانی قرآن کریم می‌توان دریافت که این متن مقدس به‌صورت بدیعی از تصویرسازی ذهنی بهره‌جسته است. قرآن مفاهیم انتزاعی و عمیق را با استفاده از ابزارهای ساده و ملموس، در قالب تصاویر گویا ارائه می‌کند تا مخاطبان را در سطوح و اعصار مختلف تحت تأثیر قرار دهد. این تصویرگرایی با تحریک قوه‌ی تخیل و فعال‌سازی ظرفیت‌های ادراکی مخاطب ازجمله هوش فضایی، به درک عمیق‌تر و دقیق‌تر معانی والای خود مدد می‌رساند. این پژوهش بر آن است تا با تمرکز بر سازوکارهای تصویرسازانه‌ی قرآن کریم و ارتباط آن با هوش فضایی، به بررسی نقش این ظرفیت شناختی در افزایش اثربخشی تربیت اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های قرآن با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با تمرکز بر ۲۰ تصویر اخلاقی، از طریق بررسی نظام‌مند تصاویر مربوط به فضایل و رذایل اخلاقی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد: قرآن کریم چگونه و با چه سازوکارهایی از ظرفیت‌های هوش دیداری-فضایی برای تربیت اخلاقی بهره می‌گیرد و این بهره‌گیری تا چه میزان با نظریه‌ی هوش چندگانه‌ی گاردنر همخوانی دارد یا آن را تکمیل می‌کند؟

۲- تعریف مفاهیم

در این پژوهش، از دو مفهوم محوری «تربیت اخلاقی» و «هوش دیداری-فضایی» بحث می‌شود. تبیین دقیق این مفاهیم زمینه‌ی لازم برای تحلیل اصلی را فراهم می‌سازد.

۱-۲- تربیت اخلاقی

«تربیت» در فرهنگ فارسی به معنای پروراندن و آموختن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶) یا ایجاد تغییرات مطلوب در کسی یا چیزی آمده است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۶۸۶). «اخلاق» در اصطلاح، به ملکات و صفات راسخه‌ی نفسانی اطلاق می‌شود که منشأ صدور افعال به‌صورت آسان و خودجوش باشد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۴۶). بر اساس این، «تربیت اخلاقی» فرایندی است که از طریق آن، این ملکات نیکو در جان انسان تثبیت و اعمال پسندیده به‌صورت عادت‌ی پایدار درمی‌آید.

تربیت اخلاقی از مباحثی است که توجه بسیاری از فیلسوفان و متفکران را به خود جلب کرده است؛ بنابراین، تعریف‌های بسیاری برای تربیت اخلاقی ارائه شده است؛ به‌عنوان مثال، دورکیم تربیت اخلاقی را پرورش استعدادها و زمینه‌های سلوک اخلاقی در متربی تعریف کرده است (دورکیم، ۱۳۷۶، ص ۴۸). کانت با تکیه بر «بینش»، تربیت اخلاقی را ارتقای بصیرت متربی، برای تمیز فضیلت از رذیلت معرفی نموده است (کانت، ۱۳۷۲، ص ۲۰) و ارسطو با تأکید بر «منش»، آن را نوعی ممارست و عادت دادن نفس به فضایل اخلاقی دانسته است (ارسطو، ۱۳۶۴، ص ۳۱).

در این میان، تربیت اخلاقی از دیدگاه دانشمندان مسلمان فرایندی است که در آن، انسان توانایی پیدا می‌کند که از روی اختیار، صفاتی را بپذیرد و در کنار ساختار خلقی خود، از طبع و سرشتی دیگر برخوردار شود (باقری، ۱۳۷۷، ص ۱۰). به اعتقاد حسینی، تربیت اخلاقی عبارت است از

ایجاد شناخت و برانگیختن احساس برای تضعیف و انهدام صفات منفی و پرورش و مراقبت از صفات مثبت تا این صفات ملکه‌ی انسان گردند (حسینی، ۱۳۷۰، ص ۶۹).

۲-۲- هوش دیداری-فضایی در نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر

انگاره‌ی هوش‌های چندگانه نظریه‌ای است آموزشی که اولین بار هوارد گاردنر آن را تنظیم و ارائه کرده است. گاردنر نظریه‌اش را نخستین بار در کتاب قاب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه، در سال ۱۹۸۳ ارائه نمود. به عقیده‌ی او، همه‌ی انسان‌ها انواع مختلفی از هوش دارند. او در کتاب خود، هشت نوع هوش را معرفی کرده و احتمال داده است که نوع نهمی نیز به‌عنوان «هوش هستی‌گرا» وجود داشته باشد. بر اساس نظریه‌ی گاردنر، برای به‌دست آوردن همه‌ی قابلیت‌ها و استعداد‌های یک فرد، نباید تنها به بررسی ضریب هوشی پرداخت، بلکه انواع هوش‌های دیگر او مانند هوش منطقی-ریاضی، هوش تصویری-فضایی، هوش کلامی-زبانی، هوش جسمی-حرکتی، هوش موسیقایی، هوش درون‌فردی، هوش برون‌فردی و هوش طبیعت‌گرا نیز باید سنجیده شود (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۲۶).

از میان این هوش‌ها، هوش دیداری-فضایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های شناختی انسان، توانایی درک، پردازش و بازسازی اطلاعات بصری و فضایی را دارد. گاردنر هوش دیداری-فضایی را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی درک جهان به‌صورت بصری، ایجاد تغییر در درک اولیه از محیط و بازسازی و مرور تجربیات بصری در ذهن است، حتی در غیاب چیزی که این تجربیات را به‌وجود آورده باشد» (همان، ص ۳۴).

انتخاب هوش دیداری-فضایی برای مطالعه‌ی تربیت اخلاقی قرآن با توجه به چند علت اساسی صورت گرفته است: نخست، قرآن کریم به‌عنوان یک متن وحیانی، از شیوه‌های بیانی متنوعی بهره می‌برد که بسیاری از آن‌ها مبتنی بر تصویرسازی و تجسم‌بخشی مفاهیم انتزاعی است. این کتاب آسمانی با بهره‌گیری از استعاره، تمثیل و تشبیه، مفاهیم پیچیده را در قالب تصاویر ملموس و قابل‌درک ارائه می‌دهد؛ دوم، بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که بسیاری از آموزه‌های اخلاقی این کتاب، از طریق فضا‌سازی‌های پویا و صحنه‌پردازی‌های زنده انتقال یافته‌اند؛ برای مثال، تصویرسازی‌های مربوط به بهشت و جهنم، یا توصیف اعمال نیک و بد، همگی از ظرفیت‌های هوش دیداری-فضایی مخاطب بهره می‌گیرند؛ سوم، از دیدگاه روان‌شناختی، تأثیر تصاویر بر حافظه و یادگیری به‌خوبی اثبات شده است.

با این توضیحات، در بخش بعدی به تحلیل مؤلفه‌های اصلی تصاویر اخلاقی در قرآن خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که چگونه قرآن کریم از ظرفیت‌های هوش دیداری-فضایی برای تربیت اخلاقی بهره می‌گیرد.

۳- تحلیل مؤلفه‌های تصاویر اخلاقی قرآن بر اساس نظریه‌ی هوش دیداری-فضایی گاردنر

فضاهای اخلاقی ترسیم‌شده در قرآن کریم، بر پایه‌ی ارکانی استوارند که متناسب با محتوای هر فضا به‌کار گرفته می‌شوند. این مؤلفه‌ها نشان می‌دهند که چگونه قرآن از ظرفیت‌های هوش دیداری-فضایی برای انتقال مفاهیم اخلاقی استفاده می‌کند.

۱-۳ هماهنگی با فطرت: زمینه‌ساز پذیرش ذاتی از دیدگاه هوش دیداری-فضایی

از دیدگاه گاردنر، هوش دیداری-فضایی شامل توانایی تشخیص الگوها و ارتباطات معنادار در محیط است. قرآن کریم با بهره‌گیری از تصاویر فطری، دقیقاً از همین ظرفیت بهره می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، در آیه‌ی «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسرا: ۲۴)، بر اساس سخن خداوند: «كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»، محبت مادرانه عمیق‌ترین عاطفه‌ی فطری انسان است. این عبارت اشاره به این دارد که پدر و مادر در هنگام خردسالی او، بر اساس عاطفه‌ی فطری، وی را بر خودشان ترجیح می‌دادند و به همین سبب، آنان شب را بیدار می‌ماندند تا او بخوابد، گرسنگی می‌کشیدند تا او سیر شود، برهنه می‌ماندند تا پوشیده باشد و این دینی است بر گردن او و باید هنگامی که نیرومند می‌شود و پدر و مادر ضعیف می‌گردند، این دین را ادا کند (مغنیة، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۳۶). قرآن با تشبیه رفتار فرزند به «بال فروتنی پرندگان»، احترام به والدین را در قالب تصویری آشنا برای فطرت بیان می‌کند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، گاردنر تأکید می‌کند که هوش فضایی مستلزم توانایی بازمانایی ذهنی اشیا و روابط میان آن‌هاست. قرآن با استفاده از نمادهای فطری مانند نور که نماد هدایت است: «اللَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷) و ظلمت که نماد گمراهی است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (همان) (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۴)، از همین ظرفیت شناختی برای انتقال مفاهیم اخلاقی استفاده می‌کند. این تصاویر هدایت الهی را با محسوس‌ترین تجربه‌ی بشر، یعنی نور و تاریکی، گره می‌زند. درخت پاک نماد ایمان است که ریشه‌دار و ثمربخش است: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم: ۲۴)؛ اما درخت ناپاک نماد کفر است که بی‌ثمر و بی‌اساس است: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ» (همان: ۲۶) (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۴۸۰). انسان به‌طور فطری ثبات و باروری (درخت ریشه‌دار) را می‌ستاید و بی‌اصلی (درخت کنده‌شده) را طرد می‌کند.

۲-۳ حس‌آمیزی: فعال‌سازی ابعاد چندگانه‌ی هوش دیداری-فضایی

گاردنر در توصیف هوش دیداری-فضایی، به توانایی پردازش اطلاعات حسی چندگانه اشاره می‌کند. قرآن کریم با بهره‌گیری از حس‌آمیزی، این ظرفیت را به‌طور کامل فعال می‌سازد:

۳-۲-۱- حس دیداری: توصیف صحنه‌های قیامت

«يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْتُوثِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قارعه: ۴ و ۵). به دنبال توصیف صحنه‌های قیامت، مردم را به ملخ‌هایی تشبیه کرده است که در آتش هجوم برده و ریخته می‌شوند و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۸۰۸). قرآن کریم برای انتقال مؤثر حسی، از توانایی تجسم پویا و درک روابط فضایی بهره می‌گیرد.

۳-۲-۲- حس شنیداری: شنیدن ناله‌ی جهنمیان

«إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيَّطًا وَزَفِيرًا» (فرقان: ۱۲). آتشی که هرگاه آنان را از فاصله صد سال راه بنگرد، به هیجان می‌آید و فریاد خشمش بلند می‌شود. البته خشم شنیدن نیست که آیه می‌گوید: خشم آتش را می‌شنوند؛ زیرا این تعبیر بلیغ‌تر است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۲۵۷). این آیه توانایی بازنگامی شنیداری فضایی را فعال می‌کند.

۳-۲-۳- حس لمسی: پوشیدن و چشیدن قحطی و ناامنی

«فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» (نحل: ۱۱۲). تعبیر قرآنی گرسنگی و هراس را به شکل جامه‌ای مجسم می‌دارد و ایشان را وادار می‌کند که مزه‌ی همچون جامه‌ای را کاملاً بچشند؛ زیرا چشیدن تأثیر ژرف‌تری در احساس و شعور دارد، از اینکه جامه پوست بدن را لمس کند (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۹۹). از توانایی بازنگامی لمسی فضایی استفاده می‌نماید.

۳-۳- تخیل: گذر مرزهای هوش دیداری-فضایی

گاردنر تخیل را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی هوش فضایی معرفی می‌کند. قرآن کریم با خلق تصاویر خیال‌انگیز، این بعد هوش را به حداکثر می‌رساند؛ برای مثال، تصویر در آیه‌ی «وَمَن يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج: ۳۱)، خیال را به پیگیری حرکات سریع برای سقوط فرد مشرک از آسمان تحریک می‌کند که در یک چشم به‌هم زدن، پرنده‌گان او را می‌ربایند و باد او را در مکانی ژرف و دوردست پرتاب می‌کند (احمد راغب، ۱۳۸۷، ص ۶۰). این تصویر مستلزم توانایی تجسم حرکات پیچیده‌ی فضایی و درک روابط سه‌بعدی است که دقیقاً با تعریف گاردنر از هوش فضایی هم‌خوانی دارد. در اینجا چند نمونه‌ی دیگر در قالب جدول ارائه می‌شود.

رذایل	تصویرسازی تخیل‌انگیز	فضایل	تصویرسازی تخیل‌انگیز
تکبر	ورود شتر در سوراخ سوزن: «وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» (اعراف: ۴۰).	تواضع	گشودن پروبال تواضع در برابر پدر و مادر: «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسرا: ۲۴).
بخل	تبدیل اموال به حلقه‌ای از آتش بر گردن شخص بخیل: «سَيَطُوفُونَ مَا بِخَلُوهُ بِهِ» (آل عمران: ۱۸۰).	انفاق	تبدیل یک دانه به هفت صد دانه: «حَبَّةٌ أَبْتَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِّثْلُ حَبَّةٍ» (بقره: ۲۶۱).

رذایل	تصویرسازی تخیل انگیز	فضایل	تصویرسازی تخیل انگیز
کفر	ترسیم کفر به عنوان لایه‌هایی عمیق از تاریکی‌ها: «كَظَلَمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجَى يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ...» (نور: ۴۰).	ایمان	ترسیم ایمان به عنوان نور فراينده: «الرُّجَا حَةٌ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيُّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ» (نور: ۳۵).

۴-۳- واقع‌گرایی: تقویت ادراک فضایی مبتنی بر واقعیت

از دیدگاه گاردنر، هوش فضایی شامل توانایی درک و بازنمایی دقیق محیط فیزیکی است. از ویژگی‌های تصاویر قرآنی نیز صدق واقعی است. چون خداوند از واقعیتی که خود آن را آفریده و از آن آگاه است، خبر می‌دهد، در تصویر قرآنی، تحریف و ساختگی بودن راه ندارد، بلکه حقیقت واقع است که به تصویر کشیده شده است: «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نسا: ۸۷) (احمد راغب، ۱۳۸۷، ص ۵۵). قرآن کریم با استفاده از عناصر واقعی مانند سراب، عنکبوت، سگ، خاکستر، گیاه، ملخ، پروانه، پشم، کوه، شتر و... بر همین ظرفیت شناختی تأکید می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود، مفاهیم انتزاعی اخلاقی در قالب تصاویر ملموس و قابل‌درک ارائه گردند.

حتی مؤلفه‌های تصاویر نعمت و عذاب در قیامت برگرفته از واقعیت است. در آیهی «طُلُعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ» (صافات: ۶۵)، تصویر سر شیطان در ذهن مردم برای نهایت زشتی و بدی وجود داشته است و تصویر قرآنی در ایجاد تصویری زشت و وحشتناک به آن تکیه کرده است و بنابراین، واقعیت آن در جان‌ها و سرشت‌ها وجود داشته است، هرچند که در عالم محسوس آن را ندیده باشند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۶). درخت زقوم را که بخشی از فضای جهنم است، به درختی با شکوفه‌هایی به شکل سرهای شیاطین ترسیم می‌کند. درواقع، مخاطب باید با تخیل خود، صورت نامحسوس سر شیطان را بر میوه‌ای محسوس تصور کند.

۵-۳- حرکت‌پردازی: فعل‌سازی بعد پویای هوش فضایی

گاردنر به توانایی درک و بازنمایی حرکات و تغییرات فضایی به‌عنوان بخشی از هوش فضایی اشاره می‌کند. در قرآن کریم، مفاهیم اخلاقی غالباً با تصاویر پویا و متحرک بیان می‌شوند که مخاطب را به کنش و تحول دعوت می‌کنند. این تصاویر ایستا نیستند، بلکه سرشار از جنبش، تغییر و جهت‌گیری اخلاقی هستند. در اینجا، چند نمونه‌ی برجسته در قالب جدول ارائه می‌گردد.

عنصر پویایی	نمونه قرآنی	تأثیر اخلاقی
۱ فعل‌های امر و ترغیب	مسابقه به‌سوی بهشت و مغفرت: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ» (آل‌عمران: ۱۳۳).	ایجاد حس فوریت و اقدام عملی.
۲ حرکت فیزیکی	جریان نهرها: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره: ۲۵).	تجسم پادشاه‌های زنده و سیال.
۳ فرایندهای دگرگون‌ساز	تبدیل سیئات به حسنات: «فَأُولَٰئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» (فرقان: ۷۰).	نشان دادن تحول اخلاقی به‌مثابه سفر.

عنصر پویایی	نمونه قرآنی	تأثیر اخلاقی
۴ نور در حال گسترش	نوری که پیوسته افروخته می‌شود: «الرَّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّي يوقِدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» (نور: ۳۵).	ترسیم ایمان به عنوان نیرویی فزاینده.
۵ تضاد حرکت‌ها	حق محقق‌شونده در برابر باطل نابودشونده: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» (اسرا: ۸۱).	برجسته‌سازی نبرد فعال خیر و شر.
۶ حرکت بازگشت	توبه به سوی خدا: «وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا» (فرقان: ۷۱).	نمایش توبه به عنوان مسیر فعال برگشت.
۷ حرکت تخریبی	ویرانی شهرهای ظالم: «فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» (حج: ۴۵).	هشدار از عواقب ایستایی در ظلم.
۸ فعالیت ذهنی	دعوت به تفکر در نفس: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ» (روم: ۸).	ضرورت پویایی فکری برای درک حقایق اخلاقی.

۶-۳- تصریف (تنوع بیانی): بهره‌گیری از تنوع در بازنمایی فضایی

گاردنر تأکید می‌کند که هوش فضایی شامل توانایی بازنمایی یک مفهوم از زوایای مختلف است. قرآن کریم با بهره‌گیری از تصریف، دقیقاً از همین ظرفیت استفاده می‌کند و مفاهیم اخلاقی را از جنبه‌های مختلف و در قالب‌های متنوع ارائه می‌دهد تا مخاطبان با سلاقی و توانمندی‌های متفاوت را تحت تأثیر قرار دهد و بر اثرگذاری کلام بیفزاید: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (اسراء: ۸۹). تصریف امثال به معنای بیان مکرر مقصود واحد با شیوه‌ها و بیان‌های گوناگون است تا مفهوم مجسم گردد و به ذهن شنونده نزدیک شود (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۳، ص ۲۰۲). این واژه بر کثرت و تنوع بیانات (استدلال منطقی، فطری، تهدید، تشویق و...) دلالت دارد که برای بیداری مخاطبان به‌کار رفته است. در جدول زیر جلوه‌هایی از شرک و کفر در قالب‌هایی مختلف ارائه می‌شود.

سوره/ آیه	عنصر تصویری (تصاویر گوناگون)	گزاره اخلاقی
۱ «لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمْ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ» (حج: ۷۳).	ناتوانی در آفرینش مگس؛ خدایان در تعقیب مگس برای پس گرفتن چیز ازدست‌رفته	نهی از شرک
۲ «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا» (نحل: ۷۵).	مقایسه‌ی میان برده‌ی بی‌اختیار و ارباب آزاد	نهی از شرک
۳ «رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ» (نحل: ۷۶).	مقایسه‌ی مردی ضعیف، لال و کودن با نیرومند سخنوری که توانمند است.	نهی از شرک
۴ «كَمْ لَبِئَ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ» (عنکبوت: ۴۱).	خانه‌ی عنکبوت با تارهای نرم و فضاها ی خالی.	نهی از شرک

سوره / آیه	عنصر تصویری (تصاویر گوناگون)	گزاره اخلاقی
۵ «كَبَّاسُطٌ كَفِّهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ...» (رعد: ۱۴).	تشنه‌ی حسرت‌زده‌ای که دو کف دستش را به‌سوی آب دراز می‌کند؛ اما قادر به نوشیدن نیست.	نهی از شرک
۶ «فَكَأَمَّا حَرٌّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفُهَا الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج: ۳۱).	چیزی از آسمان سقوط می‌کند و پرنده‌ای آن را می‌قاپد و باد به دره‌های مهیب سوقش می‌دهد.	نهی از شرک
۷ «فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» (نحل: ۱۱۲).	قحطی و ناامنی مانند لباس آنان را احاطه می‌کند و چنان ملموس که گویی با زبان می‌چشند.	نهی از کفر
۸ «كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ» (ابراهم: ۱۸).	خاکستری که تندبادی در روزی طوفانی به آن بوزد.	نهی از کفر
۹ «أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً...» (نور: ۳۹).	سرابی است که در بیابان بی‌آب‌وعلفی به چشم می‌خورد.	نهی از کفر
۱۰ «كَظَلَمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّي يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ» (نور: ۴۰).	تاریکی‌هایی در دریایی ژرف که لایه‌هایی از موج و تاریکی آن را می‌پوشاند.	نهی از کفر
۱۱ «كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً» (بقره: ۱۷۱).	چهارپایانی که جز صدای و ندایی نمی‌شنوند، کر و کور و لال‌اند.	نهی از کفر

تحلیل مؤلفه‌های تصویرسازی قرآنی بر اساس نظریه‌ی گاردنر نشان می‌دهد که قرآن کریم به‌صورت نظام‌مند و همه‌جانبه، از ظرفیت‌های هوش دیداری-فضایی برای انتقال مفاهیم اخلاقی بهره می‌گیرد. این رویکرد نه‌تنها با نظریه‌ی گاردنر هم‌خوانی دارد، بلکه آن را تکمیل و گسترش می‌دهد.

مؤلفه های اصلی تصاویر اخلاقی در قرآن



۴- ظرفیت تصویرسازی قرآنی در تبیین آموزه‌های اخلاقی: تحلیل کارکردهای تربیتی

قرآن کریم با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های تصویرسازی، به‌عنوان ابزاری مؤثر در انتقال مفاهیم اخلاقی عمل می‌کند. این کتاب آسمانی با خلق صحنه‌پردازی‌های زنده و فضاسازی‌های گویا، درک پیام‌های اخلاقی را تسهیل می‌بخشد. در این رویکرد، فضایل اخلاقی از طریق الگوهای تصویری ملموس ارائه می‌شوند تا میل درونی به نیکی‌ها را برانگیزند و بستر تحقق اخلاق اسلامی را فراهم آورند. در مقابل، ردایل اخلاقی نیز در قالب تصاویری عینی به نمایش درمی‌آیند تا ضمن آشکارسازی زشتی ذاتی آن‌ها، حس تنفر را در مخاطب ایجاد نمایند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر آیات اخلاقی، به بررسی نظام‌مند شیوه‌های تصویرپردازی و کارکردهای تربیتی این ابزار بیانی در قرآن کریم می‌پردازد.

۴-۱- الگوی تصویری احترام به والدین

قرآن کریم با به‌کارگیری ظرفیت‌های تصویرسازانه، مخاطب را به درکی عمیق از پیامدهای رفتاری رهنمون می‌سازد و زمینه‌ساز بازنگری در کنش‌های فردی می‌گردد. مصداق بارز این رویکرد ترسیم الگوی رفتاری فرزند صالح در آیه: «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» (اسرا: ۲۴) است که در آن، تواضع در برابر والدین با استعاره‌ای زیبا بازنمایی شده است. همان‌گونه که مرغ بال‌هایش را برای پناه دادن جوجه‌ها می‌گستراند، تو نیز پر فروتنی رحمت‌آمیز خود را بر والدین بگشای؛ آن‌سان که آنان در کودکی تو را در سایه مهر خویش پرورند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۶۳۱). این تصویرپردازی با تحریک حافظه‌ی عاطفی و فعال‌سازی کانون‌های احساسی، ادراک وجوب حق‌شناسی را از سطح شناختی به عینیت رفتاری سوق می‌دهد.

قرآن کریم با درک ظرفیت استعاره‌های فضایی در شکل‌دهی به رفتار اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان ابزاری تحول‌آفرین استفاده می‌کند. تصویر پایین آوردن بال رحمت، مفهوم انتزاعی تواضع را به الگوی حرکتی عینی تبدیل می‌کند و از طریق فعال‌سازی حافظه‌ی تصویری-حسی پرورش یافتن، انگیزش درونی برای احترام ایجاد می‌نماید؛ بنابراین، با ایجاد نماد دوطرفه‌ی رفتاری-عاطفی، تربیت اخلاقی پایدار نهادینه‌شده را ممکن می‌سازد. این کاربست هوش دیداری-فضایی، نقشی کلیدی در تربیت انسان‌های حق‌شناس و رابطه‌محور ایفا می‌کند.

عناصر تصویری	نماد فضایی-عاطفی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
گستردن بال (جَنَاح)	نماد فضای امن و پوشش حمایتی	درک رابطه‌ی فضایی حفاظت‌گر (بال ← پناهگاه)
پایین آوردن بال (اِحْفَظْ)	نماد خفص مراتب (کاهش فاصله عمودی) در تواضع	درک حرکت فضایی تواضع‌آمیز (بالارفتن والدین ← پایین آمدن فرزند)

عنصر تصویری	نماد فضایی-عاطفی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
ذلت (الذَّل)	نماد انحنای وجودی در برابر والدین	درک حالت بدنی خاضعانه (خمیدگی بال ← خضوع وجودی)

۲-۴- تمثیل‌های پویا در تبیین انفاق

قرآن کریم برای ترغیب به انفاق، از الگوهای تصویری پویا به منزله‌ی ابزاری اقتناعی سود می‌جوید. آیه‌ی «مَثَلُ الَّذِينَ يَبْغُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٍ» (بقره: ۲۶۱)، با خلق تمثیل «حَبَّة» و «سُنْبُلَةٌ»، افزایش کیفی پاداش الهی را در قالب ریخت‌شناسیِ رویشی به تصویر می‌کشد. هر دانه‌ی نیکوکاری هفت‌صد برابر ثمر می‌آفریند، نه به‌مثابه‌ی محاسبه‌ی ریاضی، بلکه به‌مثابه‌ی جوشش حیات‌بخش معنوی تأثیر فراوان‌تری در دل و درون دارد. خداوند دل انسان را به‌سوی بذل و بخشش می‌کشانند و او را متوجه این امر می‌سازد که انسان در اصل نمی‌دهد، بلکه می‌گیرد و دارایی او با بذل و بخشش کم نمی‌شود، بلکه فزونی می‌یابد. بدین‌وسیله، موج بخشندگی و بالندگی در راه زندگی به حرکت درمی‌آید (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۰۶). حقیقت عدد در اینجا مدنظر نیست، بلکه مراد فراوانی و چند برابر شدن است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۴۰). این تمثیل با تبدیل مفهوم انتزاعی «فزونِ رزق» به پدیدار ملموس رویش، دو کارکرد محوری دارد: ۱. زدودن تصور «زیان اقتصادی» از انفاق؛ ۲. جایگزینی انگاره‌ی «سود معنوی فزاینده»

در تصویر مکمل «وَمَثَلُ الَّذِينَ يَبْغُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ حَبَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْثَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يَصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ» (بقره: ۲۶۵)؛ انفاق مبتنی بر اخلاص به باغی بر فراز کوهسار تشبیه می‌شود که در هر شرایط جویباران و سیلاب «وَابِل» و شبنم «طَلٌّ»، مضاعف‌سازی محصول را تضمین می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۵).

قرآن کریم با درک ظرفیت تمثیل‌های فرایندمحور در تربیت اقتصادی-اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان ابزاری راهبردی استفاده می‌کند. این تصاویر مفاهیم مجرد برکت و ثبات پاداش را به الگوهای رشدی حسی تبدیل می‌کنند و از طریق شبیه‌سازی ذهنی فرایندهای طبیعی، مقاومت روانی در برابر ترس از فقر را تقویت می‌نمایند. این کاربست هوش دیداری-فضایی نقشی محوری در تربیت انسان‌های بخشنده و متکی بر مشیت الهی دارد.

عنصر تصویری	نگاشت فضایی - کارکردی	پیوند با هوش دیداری- فضایی
باغ مرتفع (حَبَّةٍ بِرَبْوَةٍ)	موقعیت برتر (نماد اخلاص)	درک ارتباط ارتفاع ← ثبات
باران سیل‌آسا (وَابِل)	فشار خارجی شدید	درک نیروهای تهدیدکننده‌ی عمودی
شبنم (طَلٌّ)	منبع تغذیه‌ی ملایم	درک نیروهای تغذیه‌گر افقی
تضاعف محصول (ضِعْفَيْنِ)	بازدهی پایدار در هر شرایط	درک پایداری ساختاری در فضا

۳-۴- تصویر ریا

قرآن کریم برای اعمال ریاکارانه و انفاق‌های آمیخته با منت و آزار، مثالی زنده ارائه می‌کند که تصویری پویا برای این رذیله‌ی اخلاقی به‌شمار می‌رود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ ثُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا» (بقره: ۲۶۶). انفاق ریاکارانه شبیه خاک نرمی بر روی صخره‌ای سخت است که باران آن را طوری پراکنده می‌کند که اثری از آن بر جای نمی‌ماند (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰۹). انفاق از اسباب اجر و ثواب است؛ اما در صورتی که منظور انفاق‌کننده خدا نباشد، ثوابی بر عملش مترتب نخواهد شد؛ چون استعداد آن را ندارد و دلش قابل رحمت و کرامت نیست (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۹۰).

در تصویر مکمل «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» (بقره: ۲۶۶)، عاقبت ریا به نابودی باغ سالخورده در آتش گردباد «إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ» تعلیل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۹). این تمثیل با سه لایه‌ی معنایی، اقتصادی: باغ سرسبز «جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ»؛ اجتماعی: فرزندان کوچک «ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ» و طبیعی: طوفان آتشین «إِعْصَارٌ» بیان می‌دارد که ریا کارکرد مثبت باران «وَابِلٌ» و «طَلٌّ» را به نقض غرض تبدیل می‌کند و پاداش مضاعف انفاق «فَأَتَتْ أَكْلَهَا ضَعْفَيْنِ» را به احتراق بی‌ثمر بدل می‌سازد.

قرآن کریم با درک ظرفیت تصاویر فضایی تخریبی در تربیت اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان ابزار بازدارنده‌ی نیرومند استفاده می‌کند. این تمثیل‌ها مفهوم مجرد بطلان اعمال ریاکارانه را به الگوهای فضایی ملموس (سنگ عریان/ باغ خاکستر) تبدیل می‌کنند و از طریق شبیه‌سازی ذهنی فرایند تخریب (شستشوی خاک/ احتراق باغ)، بازدارندگی روانی پایدار ایجاد می‌مایند؛ بنابراین، با نمایش تبدیل فضاهای مولد به بی‌ثمر (جَنَّةٌ ← صَلْدًا)، پاداش اخلاص را به‌صورت متضاد فضایی آموزش می‌دهند. این کاربست هوش دیداری-فضایی نقشی محوری در تربیت انسان‌های خالص‌نیت و دور از تظاهر ایفا می‌کند.

عنصر تصویری	نگاشت فضایی-تربیتی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
باغ سرسبز (جَنَّةٌ)	عمری سرمایه‌گذاری (أَصَابَهُ الْكِبَرُ)	درک انباشت فضایی طولانی‌مدت
فرزندان نیازمند (ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ)	پیوندهای اجتماعی	درک ارتباطات افقی در فضا
طوفان آتشین (إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ)	عذاب الهی	درک نیروهای مخرب سه‌بعدی
احتراق کامل (اِحْتَرَقَتْ)	نابودی همه‌جانبه (لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ)	درک تغییرات ساختاری کل‌نگر

۴-۴- تصویر بخل

قرآن کریم با به‌کارگیری استعاره‌های تجسیمی، کيفر اخروی بخل را در قالب تصاویر حسی ملموس ترسیم می‌کند. در آیه‌ی «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ مِمَّا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ

بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران: ۱۸۰)،
سه مؤلفه بلاغی شایان توجه است:

مؤلفه	تحلیل بلاغی	کارکرد تربیتی
گزینش واژگانی	تعبیر «يَمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» به جای اموال	تأکید بر ربوبیت الهی و غصب موهبت‌ها: بخیلان آن قدر فرومایه‌اند که مال را با اینکه صاحب حقیقی‌اش خداوند است، در راه خود خدا نیز انفاق نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۸۱).
حرف تأکید	سین در «سَيُطَوَّقُونَ»	بیان قطعیت و عاجل بودن عذاب (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۵۱).
تجسم اعمال	تبدیل اموال به طوق آتشین	پیوند علیت میان عمل و جزا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۹۰).

این تمثیل با خلق تصویر حلقه‌ای از آتش بر گردن شخص بخیل (ابوحيان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۵۲)، یا قلاده‌ی ملامت و عذاب، مانند طوق کبوتری بر گردن او (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴۶)، دو مفهوم را توأمان منتقل می‌کند: ۱. حیوان‌وارگی بخیل: طوقِ بردگی ← زوال کرامت انسانی؛ ۲. التهاب درونی: آتش ← عذاب وجدان.

قرآن کریم با استفاده از ظرفیت استعاره‌های فضایی-جسمانی در تربیت اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (ط بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان ابزار تغییر نگرش استفاده می‌کند. این تصویر مفهوم مجرد عذاب اخروی را به نمایه‌ی فضایی ملموس (طوق آتش) تبدیل می‌نماید و با فعال‌سازی شبیه‌سازی ذهنی محدودیت‌های فضایی (حلقه محصور)، بازدارندگی روانی فوری ایجاد می‌سازد. این کاربست هوش دیداری-فضایی نقشی محوری در تربیت انسان‌های بخشنده و آزاده ایفا می‌کند.

عنصر تصویری	نگاشت فضایی-تربیتی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
طوق آتشین (سَيُطَوَّقُونَ)	نهاد محدودیت دایره‌وار (گردن ← محاصره‌ی کامل)	درک الگوی هندسی بسته (حلقه)
تبدیل اموال به طوق (مَا بَخُلُوا بِهِ)	پیوند علیت عینی میان بخل و عذاب	درک تغییر شکل فضایی مواد (مال ← آتش)
گردن (عُنُق)	مرکز حیات و کرامت انسانی	درک نقاط حیاتی در بدن (گردن = گلوگاه حیات)

۴-۵- تجلی تصویری تکبر

در آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی اعراف، قرآن کریم برای انتقال مفهومی انتزاعی محال بودن رستگاری کافران متکبر و تعمیق درک آن در ذهن مخاطب، به شیوه‌ای هنرمندانه از تصویرسازی حسی و خیالی بهره می‌گیرد: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْتُحُ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» (اعراف: ۴۰). این آیه با خلق تصویر عبور شتر از سوراخ سوزن، محال بودن دستیابی به بهشت را به شکلی ملموس و غیرقابل انکار مجسم می‌سازد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۷۳). مخاطب ضمن ادراک عینی اجزای این ترکیب، یعنی شتر و سوراخ

سوزن، برای درک پیام انتزاعی ناممکن بودن و ناامیدی مطلق، ناگزیر از به کارگیری قوه‌ی تخیل است. گفتنی است که طبرسی «جمل» را به طناب ضخیم مهار کشتی تعبیر کرده (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۰۴) که درنهایت، دلالت بر یکسانی معنای محال بودن در هر دو تفسیر دارد. این تصویر هنری تلاش‌های بی‌ثمر و نومیدانه برای تحقق امری ناممکن را در ذهن مخاطب متبادر می‌سازد و به گونه‌ای مؤثر، مفهوم انتزاعی محال بودن را در جان وی نفوذ می‌دهد.

قرآن کریم در بیان مفاهیم روان‌شناختی مانند تکبر، صفات شخصیت متکبر را به تصویر می‌کشد: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (اسرا: ۳۷). این آیه با لحنی طنزآمیز و هشداردهنده، توهّم قدرت متکبر را درهم می‌شکند و می‌فرماید: در روی زمین متکبرانه و مغرورانه راه مرو؛ زیرا تو (با پای کوبیدن قلدرانه بر زمین) نمی‌توانی زمین را بشکافی: «لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ» و (با گردن کشیدن جبارانه‌ات بر آسمان نمی‌توانی) به بلندی کوه‌ها برسی: «لَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۲۲۸).

همچنین قرآن در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی لقمان، یکی دیگر از مظاهر تکبر، یعنی بلندی نابه‌جای صدا «أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ» را در قالب تشبیهی زنده و گویا بیان می‌دارد: «وَأَعْصِمْنِمْ صَوْتِكُمْ أَنَّا نَكْرَهُ الْأَصْوَاتِ لَ صَوْتًا لِّحْمِيرٍ» (لقمان: ۱۹). تشبیه متکبران به الاغ در حال عرعر (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۶، ص ۳۲۷)، ضمن ارائه‌ی تصویری حسی و مؤثر از زشتی این رفتار، به شیوه‌ای هنرمندانه، هم جنبه‌ی تنفرآمیز و هم جنبه‌ی تمسخرآمیز صفت تکبر را برای القای شدت قبح اخلاقی آن به کار می‌گیرد.

قرآن کریم با درک ظرفیت تصاویر فضایی تناقض‌محور در تربیت اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به عنوان ابزار تغییر رفتار استفاده می‌کند. تصویر عبور شتر از سوراخ سوزن با فعال‌سازی پردازش ناسازگاری مقیاس، امتناع رستگاری متکبران را به صورت الگوی ملموس تبدیل می‌نماید؛ همچنین توصیف راه رفتن متکبر با هدف قرار دادن ادراک فضایی-حرکتی، تکبر را به اختلال در خودپنداره‌ی بدنی تبدیل می‌کند. تشبیه صدای متکبر به الاغ نیز از طریق تبدیل شنیداری به تصویری، قبح اخلاقی را در حافظه تصویری چندحسی تثبیت می‌نماید. این کاربست هوشمندانه پیچیده‌ترین مفاهیم اخلاقی (تکبر) را از طریق دست‌کاری تصاویر فضایی، به گونه‌ای آموزش می‌دهد که همزمان بر شناخت، عاطفه و رفتار مخاطب تأثیر می‌گذارد.

تصویر	مؤلفه‌های هوش دیداری- فضایی	کارکرد تربیتی
شتر در سوراخ سوزن	تجسم درک ناسازگاری ابعاد	فعال‌سازی تضاد فضایی برای درک امتناع رستگاری متکبران
راه رفتن مغرورانه	تجسم حرکات بدن در فضا	تقویت هوش فضا‌محور برای اصلاح رفتار از طریق خودنگری
صدای الاغ	تجسم چندحسی (صوت+تصویر)	ایجاد پیوند عاطفی منفی از طریق فعال‌سازی همزمان شنیداری و تصویری

۴-۶- تصویری از سستی تکیه‌گاه مشرکان

برای تسهیل درک مفاهیم اعتقادی انتزاعی مانند شرک و توحید برای مخاطب انس‌یافته با محسوسات، قرآن کریم با بهره‌گیری هنرمندانه از فضاسازی تصویری، این مفاهیم مجرد را به شکلی ملموس و تجسم‌یافته عرضه می‌کند. آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی عنکبوت، با ارائی تمثیلی پرمعنا، ولایت‌پذیری غیرخداوندی را به تصویر می‌کشد: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ» (عنکبوت: ۴۱). این آیه با فعال‌سازی قوه‌ی خیال مخاطب، تصویری از خانه‌ی عنکبوت متشکل از تارهای نازک، سست و شبکه‌های پراکنده ترسیم می‌کند و فردی را مجسم می‌سازد که در این پناهگاه آسیب‌پذیر، در معرض آسیب‌های محیطی مانند سرمای طاقت‌فرسا و گرمای شدید قرار دارد (خالدی، ۱۴۲۱، ص ۳۴۲). هدف این تصویرسازی تشبیه هر آنچه غیر از خدا پرستش می‌شود، به بافت سست و آسیب‌پذیر خانه عنکبوت است که در میان مردم به مثابه نماد ضعف شهرت دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۵۵). همان‌گونه که پناه بردن به چنین لانه‌ای توهم امنیت است، پرستش غیرخدا نیز وهمی بیش نیست. نکته‌ی قابل‌تأمل در این تصویرسازی تناسب دقیق ویژگی‌های فیزیکی خانه عنکبوت با مفهوم آیه است. جنس سست تارها «أَوْهَنَ الْبُيُوتِ»، ساختار شبکه‌ای همراه با فضاهای خالی و قرارگیری لانه در مکان‌های بی‌ارزش و متروک، همگی به شیوه‌ای نمادین، موهوم بودن و سستی تکیه‌گاه مشرکان را بازتاب می‌دهند. این هماهنگی میان ظاهر شاخص‌های فیزیکی و باطن مفهوم شرک، همراه با ملموس بودن تصویر برای مخاطب، بر قدرت بیانی این تمثیل می‌افزاید.

قرآن کریم در آیات دیگر نیز با تصاویر زنده، پوچی شرک را عریان می‌سازد. آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی حج، با مثال زدن خدایان دروغین که از آفریدن حشره‌ای حقیر چون مگس ناتوان‌اند، به تصویر کشیدن نهایت ضعف و حقارت آنان می‌پردازد: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ» (حج: ۷۳). این تصویر مخاطب را قادر می‌سازد تا صحنه‌ی هجوم مگس‌ها بر بت‌ها و عجز خدایان دروغین از دفاع یا تعقیب مگس برای بازپس‌گیری مال ربوده‌شده را به‌وضوح تجسم کند (احمد راغب، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸). به موازات این، آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی حج، عاقبت مشرک را در قالب تشبیهی هول‌انگیز به نمایش می‌گذارد: «وَمَنْ يَشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» (حج: ۳۱). این تصویر سقوطی مرگبار از آسمان، ربوده شدن و تکه‌تکه شدن توسط پرندگان «تَخْطَفُهُ الطَّيْرُ» و افتادن در ورطه‌ای عمیق و دوردست توسط باد «تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ» را ترسیم می‌کند که بر بی‌پناهی و هلاکت قطعی مشرک دلالت دارد (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۴۲۱).

قرآن کریم با بینش عمیق نسبت به شیوه‌های یادگیری و تأثیرگذاری، به‌طور مکرر و هدفمند از قدرت تصویرسازی مبتنی بر هوش دیداری-فضایی بهره می‌برد، همان‌گونه که گاردنر آن را توصیف می‌کند. این تصاویر ملموس و نمادین مانند خانه‌ی عنکبوت، مگس و سقوط از آسمان، ابزارهایی تربیتی هستند که با تبدیل مفاهیم مجرد کلامی به نمایه‌های ذهنی عینی و احساس‌برانگیز، درک عمیق‌تر، یادداری بهتر و انگیزش قوی‌تر برای پذیرش حق (توحید) و طرد باطل (شرک) را در

مخاطب ایجاد می‌کنند. این کاربست هوش دیداری-فضایی یکی از جلوه‌های هنر بیانی قرآن در مسیر تربیت اخلاقی-اعتقادی انسان است.

۷-۴- تصویری از قبح غیبت

آبرو و حیثیت اجتماعی از سرمایه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود. قرآن کریم برای صیانت از این سرمایه و مبارزه با هتک حرمت افراد، در آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی حجرات، با به‌کارگیری تشبیهی بدیع و مؤثر، به تبیین زشتی گناه غیبت پرداخته است: «وَلَا يَغْتَبِ بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (حجرات: ۱۲). این آیه با ترسیم صحنه‌ی هولناک خوردن گوشت برادر مرده و استناد به حس تنفر طبیعی انسان نسبت به چنین عملی «فَكَرِهْتُمُوهُ»، زشتی غیبت را به‌شیوه‌ای ملموس و انفعال‌برانگیز مجسم می‌سازد (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۳۳۴۷). برادر را ذکر کرده است؛ زیرا در فرهنگ قرآنی، مؤمنان باهم برادرند. غیبت را مانند فرد مرده می‌خواند؛ زیرا مانند فرد مرده غایب است و از اینکه پشت سرش حرف می‌زنند، بی‌خبر است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۸، ص ۴۸۶).

قرآن کریم با درک عمیق از نقش تصاویر ذهنی ملموس و احساس‌برانگیز در تربیت اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان یک ابزار تربیتی قدرتمند استفاده می‌کند. تصویر خوردن گوشت برادر مرده صرفاً یک تشبیه ادبی نیست، دستورالعملی تربیتی است که با ایجاد یک نمایه‌ی ذهنی انزجارآور، مفهوم انتزاعی «قبح غیبت» را به شکلی عینی، عمیق و مؤثر در ضمیر مخاطب حک می‌کند، انگیزه‌ای قوی برای پرهیز ایجاد می‌نماید و ظرفیت هوشی مخاطب را فعال می‌سازد تا قبح آن را در جان نهادینه کند و به‌طور ملموس برای تربیت وجدان اخلاقی فرد و سلامت جامعه‌ی ایمانی گام برمی‌دارد. این دقیقاً هدف تربیت اخلاقی قرآن است: ایجاد ملکه‌ای راسخ برای دوری از رذیلت‌ها.

۸-۴- تصویری از قبح عهدشکنی

قرآن کریم برای ترغیب مؤمنان به وفای به عهد و نهی از پیمان‌شکنی، از تمثیلی پرمعنا بهره می‌گیرد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزَاهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ» (نحل: ۹۲). این آیه با اشاره به روایتی تاریخی درباره‌ی زنی از قریش که پشم‌های تابیده‌شده را پس از استحکام می‌گشود و به همین علت به زن احمق در میان عرب معروف شده بود (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۵۹۰)، تصویری نمادین از بی‌ثباتی و زیان‌بار بودن نقض عهد ارائه می‌دهد. انتخاب تصویر این زن بی‌تدبیر بر نادانی و سست‌اندیشی ناقضین عهد تأکید می‌ورزد و آنان را در معرض قضاوت منفی جامعه قرار می‌دهد.

تاییدن پشم موجب استحکام و تکامل می‌شود، همان‌گونه که بستن پیمان مایه‌ی استواری روابط اجتماعی می‌گردد. نقض پیمان مانند گشودن پشم‌تابیده، نه‌تنها تلاش‌های پیشین را بی‌ثمر می‌سازد، بلکه موجب سست‌سازی بافت اعتماد و انحطاط شخصیت می‌شود (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۷۸). این تصویرسازی ضمن ایجاد احساس نفرت نسبت به عهدشکنی، تحقیر شخصیت پیمان‌شکن را به‌گونه‌ای مؤثر القا می‌کند و قبح اخلاقی پیمان‌شکنی را در ابعاد فردی و اجتماعی به‌شیوه‌ای ملموس تبیین می‌نماید.

قرآن کریم با درک ظرفیت تصاویر ذهنی فرایندمحور و نمادین در القای مفاهیم اخلاقی، از هوش دیداری-فضایی مخاطب (بر اساس نظریه‌ی گاردنر) به‌عنوان ابزاری تربیتی کلیدی استفاده می‌کند. این تصویر نمادین فرایندمحور (تأییدن ← گشودن ← نابودی) به علت قابلیت تجسم بالا و انطباق دقیق با مفهوم انتزاعی عهدشکنی، پیامدهای فردی تحقیر و اجتماعی تخریب اعتماد آن به‌سادگی فراموش نمی‌شود. هرگاه فرد وسوسه گردد که نقض عهد کند، تصویر کلاف ازهم‌گسیخته و زن مورد تحقیر به‌عنوان بازدارنده‌ای بصری و احساسی قوی عمل می‌کند و انگیزه‌ای قوی برای حفظ عهد و پرهیز از خیانت در اعتماد در مخاطب ایجاد می‌گردد. این کاربست هوش دیداری-فضایی گامی مؤثر در مسیر تربیت انسان‌های وفادار و ساخت جوامعی مبتنی بر اعتماد است.

عناصر تصویری	مفهوم تربیتی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
پشم تابیده‌ی محکم	پیمان استوار و روابط اجتماعی منسجم	درک تلاش هدفمند برای رسیدن به حالت مطلوب
گشودن پشم تابیده	نقض عهد	درک عمل تخریبی که ساختار ازپیش‌ساخته را نابود می‌کند.
شخصیت زن احمق	شخصیت پیمان‌شکن	درک موقعیت تحقیرآمیز شخص ناقض عهد در جامعه

۹-۴- تصویری از کفران نعمت و عاقبت شوم آن

قرآن کریم مفاهیم مرتبط با کفر و عاقبت شوم کافران را در قالب تمثیلی بدیع ارائه می‌نماید: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ» (ابراهیم: ۱۸). این آیه صحنه‌ی خاکستر انباشته‌ای را به تصویر می‌کشد که در روز طوفانی، تحت تأثیر باد شدید پراکنده می‌شود. انتخاب این صحنه‌ی آشنا و ملموس که برای مخاطب قابل تجسم است، ابطال و تباهی اعمال کافران را به‌شیوه‌ای عینی مجسم می‌سازد و به این وسیله، احساسات را به‌اندازه‌ای تحریک می‌کند که هیچ تعبیر ذهنی نمی‌تواند تباهی اعمال و نابودی آن را این‌گونه نمودار و آشکار نشان دهد (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۰۹۴). در این آیه، به‌منظور برانگیختن خیال مخاطب، از تشبیه تمثیلی بهره برده است و امر انتزاعی بطلان اعمال را که نامحسوس است، به امری محسوس مجسم می‌کند (رمانی، بی‌تا، ص ۷۶). همان‌طور که تندباد خاکستر را متلاشی و متفرق می‌سازد، کفر نیز سبب نابودی اعمال می‌شود (صافی، ۱۴۱۱، ج ۱۳، ص ۱۷۵).

این تمثیل قرآنی نمونه‌ی اعلا‌ی بهره‌گیری از هوش دیداری-فضایی در چارچوب نظریه‌ی هوش‌های چندگانه‌ی گاردنر است. تمثیل خاکستر در تندباد مفهوم مجرد بطلان اعمال کافران را به الگوی فضایی-حرکتی ملموس تبدیل می‌کند و با فعال‌سازی پردازش تصویری و فضایی مغز، درک عمیق‌تر و یادداری بهتر پیام را ممکن می‌سازد؛ بنابراین، از طریق نمایش نمادین نابودی برگشت‌ناپذیر (لا

يَقْدُرُوَعَمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ)، بازدارندگی روانی قوی در برابر کفران نعمت ایجاد می‌کند. این کاربست هوشمندانه‌ی هوش تصویری گامی مؤثر در تربیت انسان‌های شاکر و آگاه به عواقب اعمال است.

تصویر	ویژگی فیزیکی	مفهوم تربیتی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
خاکستر	بی‌ثباتی، ناپایداری، بی‌ارزشی	پوچی و اصالت نداشتن عمل کافران	درک ویژگی‌های ملموس مواد
تندباد	قدرت ویرانگر، غیرقابل مقاومت	مشیت الهی در ابطال اعمال	درک نیروهای حرکتی
پراکندگی بازایی	نابودی سازمان‌یافته، ممکن نبودن	بطلان کامل و نداشتن بهره‌وری	درک تغییرات فضایی برگشت‌ناپذیر

۱۰-۴- تصویری پویا از فریبندگی و زوال‌پذیری حب دنیا

خداوند زندگی پرزرق‌وبرق و زودگذر دنیا را به تصویر کشیده است تا انسان‌ها را از خواب غفلت بیدار کند و آنان را از دل‌بستگی برهاند: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَطَنُ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ» (یونس: ۲۴). این آیه صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که حرکت، بالندگی، زندگی و زیبایی در آن موج می‌زند (عبدالعال، ۱۴۱۰، ص ۹۹). حکایت زندگی دنیا و سرعت زوال‌پذیری آن را به گیاهی تشبیه کرده است که حالت سرسبزی و طراوت آن به‌سرعت به خشکی تبدیل می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۴۰). در عبارت «إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ»، معنا را مجسم کرده و به تصویر تحرک بخشیده است. گویا زمین نوع‌روسی است که خود را با لباس‌های فاخر و زیبا با رنگ‌های متنوع پوشانیده و با زیورات آراسته‌شده است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۳۱). عبارت «كَأَنْ لَّمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ» بر فانی و فریبنده بودن دنیا تأکید می‌کند. درواقع، به‌سرعت زوال تصویر اول اشاره می‌کند تا میان این دو حالت دنیا تقابل برقرار نماید و تصویر فناپذیری را با قدرت در قوه‌ی خیال آدم مجسم کند و انسان درمی‌یابد که وابستگی به دنیا در همان صورت دلربای نخستین نیز نوعی توهم فریبنده است (احمد الراغب، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰). در آیات دیگر، به‌منظور نهی از حب دنیا، سرعت فناپذیری دنیا را با سرعت فنای گیاه به تصویر می‌کشد: «...فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ» (کهف: ۴۵)؛ یا بارانی را که سبب رشد گیاهان می‌شود؛ اما درنهایت، مانند خس و خاشاک توسط باد پراکنده می‌گردد، به نمایش گذارده است: «كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا» (حدید: ۲۰).

قرآن کریم با خلق این تصاویر متحرک و توالی‌محور، هوش فضایی مخاطب را به‌عنوان ابزاری راهبردی در تربیت اخلاقی خدمت می‌گیرد. این تصاویر به علت تضاد شدید بصری، سرسبزی در برابر خشکی، آراستگی در برابر ویرانی و از سوی دیگر، با شبیه‌سازی گذر زمان، الگوی ذهنی ماندگاری ایجاد می‌کند. این الگو به‌صورت ناخودآگاه، هرگونه دل‌بستگی افراطی به دنیا را با یادآوری تصویر زوال آن بازمی‌دارد. این کاربست هوشمندانه نقشی محوری در تربیت انسان‌های

عادل و غیروابسته به مظاهر فانی دارد.

عصر تصویری	تغییر فضایی-زمانی	مفهوم تربیتی	پیوند با هوش دیداری-فضایی
رشد گیاهان	گسترش افقی و عمودی	فریبندگی ظاهری دنیا	درک دینامیک رشد و انبساط
زمین آراسته	پوشش کامل و رنگارنگ (زُخْرُف)	غرور ناشی از دل‌بستگی	درک الگوهای زیبایی‌شناختی
تحول به هشیم و حصيد	انقباض ناگهانی، پراکندگی	زوال‌پذیری ذاتی دنیا	درک تغییرات ساختاری سریع
باد پراکنده‌کننده	حرکت افقی بی‌هدف	بی‌اصلاتی تلاش دنیایی	درک نیروهای آشوب‌گر فضایی

تصاویر اخلاقی در قرآن کریم



۵- نتیجه گیری

هوش فضایی به عنوان یکی از توانمندی‌های منحصر به فرد انسان در نظریه‌ی گاردنر، قدرت درک و تحلیل اشکال و تصاویر را تقویت می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم نه تنها این ظرفیت ذهنی را تأیید می‌نماید، بلکه با رویکردی جامع‌تر، آن را تعالی می‌بخشد.

وجوه تطابق:

۱. تأکید بر تصویرپردازی: قرآن همانند نظریه‌ی گاردنر، با به کارگیری تصویرسازی‌های ذهنی همچون تمثیلات و تشبیهات، مفاهیم انتزاعی را در قالب ابزارهای دیداری قابل درک ارائه می‌دهد.
۲. جهان‌شمولی: هر دو رویکرد با تکیه بر حس‌آمیزی و تخیل، مخاطبان را در سطوح مختلف فکری تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تمایزهای بنیادین:

۱. خاستگاه متعالی: تصویرپردازی قرآنی برخلاف خاستگاه زمینی نظریه‌ی گاردنر، ریشه در وحی الهی دارد و با اهداف تربیتی مانند نهی از غیبت کردن، نهی از کفر ورزیدن، نهی از تکبر ورزیدن و... پیوند خورده است.

۲. ابعاد افزوده و تکامل نظریه‌ی گاردنر: قرآن با مؤلفه‌های بی‌بدیلی مانند هماهنگی با فطرت: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰)، پویایی فرازمانی: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ

وَالْجَنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ...» (اسراء: ۸۸) و ترکیب تربیت اخلاقی با تصویرسازی، هوش تصویری را از حیطه‌ی ادراک مادی به عرصه‌ی تعالی روحی گسترش می‌دهد. در جدول زیر تحلیل رابطه‌ی قرآن و نظریه‌ی گاردنر ارائه می‌گردد.

وجه	قرآن	گاردنر
خاستگاه	وحیانی (بقره: ۲۳).	زمینی
هدف	هدایت اخروی (اسراء: ۸۲).	یادگیری مادی
ابزار	حس آمیزی+فطرت+واقع گرایی+تنوع بیان+پویایی	ادراک حسی محض
گستره	ابعاد (مادی، معنوی، فردی، اجتماعی)	بعد مادی

بنابراین، پژوهش حاضر با کشف الگوی تصویرپردازی فرافردی قرآن اثبات می‌کند که قرآن نه تنها نظریه‌ی گاردنر را تأیید می‌کند، بلکه با ارائه‌ی لایه‌های معنایی چندبُعدی اخلاقی، تربیتی و اخروی و به کارگیری ابزارهای حسی فراتر از محدودیت‌های نظریه‌های روان‌شناسی مدرن، چارچوبی متعالی و توسعه‌یافته برای بهره‌گیری از هوش فضایی در حیطه‌ی تربیت انسان ارائه می‌دهد. پیامد کاربردی: سزاوار است مربیان تربیتی با الهام از این سازوکار قرآنی، از ظرفیت تصویرسازی هوشمند در تبیین مفاهیم اخلاقی استفاده کنند تا انتقال معارف با عمق بیشتر ناشی از ابعاد فرامادی و جذابیت افزون‌تر با بهره‌گیری از مؤلفه‌های فطری محقق گردد.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی فولادوند.
- آلوسی، سید محمود؛ روح‌المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- آمدی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ترجمه‌ی محمدعلی انصاری؛ ویرایش: مهدی انصاری قمی؛ قم: امام عصر (عج)، ۱۳۸۵ ش.
- ابوحنیان، محمدبن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
- ارسطو؛ اخلاق نیکوماخوس؛ ترجمه‌ی رضا مشایخی؛ تهران: دهخدا، ۱۳۶۴ ش.
- انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن فارسی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۱ ش.
- باقری، خسرو؛ مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی معاصر؛ تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- بهشتی، محمد؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
- پورشریفی، حمید؛ روان‌شناسی بالینی؛ تهران: سنجش، ۱۳۸۲ ش.
- حسینی، افضل‌السادت دهشیری؛ نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- خالدی، صلاح عبدالفتاح؛ إعجاز القرآن البیانی؛ عمان: دارعمار، ۱۴۲۱ ق.
- درویش، محیی‌الدین؛ اعراب القرآن و بیانه؛ دمشق: دارالارشاد، ۱۴۱۵ ق.
- دورکیم، داوید امیل؛ تربیت و جامعه‌شناسی؛ ترجمه‌ی علی‌محمد کاردان؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- راغب، عبدالسلام احمد؛ کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم؛ ترجمه‌ی سید حسین سیدی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۷ ش.
- رمانی، علی‌بن حسین؛ ثلاث رسائل فی الإعجاز؛ قاهره: دارالمعارف، بی‌تا.
- زمخشری، محمودبن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- صافی، محمود؛ الجدول فی اعراب القرآن؛ دمشق: دارالرشید، ۱۴۱۱ ق.
- طبرسی، فضل‌بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۸ ق.
- طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲ ش.
- عبدالعال، محمد قطب؛ من جمالیات التصوير القرآن کریم؛ مکه: رابطہ العالم الاسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
- کانت، ایمانوئل؛ تعلیم و تربیت؛ ترجمه‌ی غلامحسین شکوهی؛ تهران: ۱۳۷۲ ش.
- فخرالدین رازی، محمدبن عمر؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- قطب، سید؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۰۸ ق.
- گاردنر، هوارد؛ هوش‌های چندگانه؛ ترجمه‌ی حمیدرضا بلوچ؛ تهران: آسمان نیلگون، ۱۳۹۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ تحقیق: جمعی از محققان؛ بیروت: دار احياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی؛ آشنایی با علوم اسلامی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۸ ش.

- مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر کاشف؛ ایران: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی؛ ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد؛ الوسیط فی تفسیر القرآن المجید؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

